

ایران باستان

تاریخ فشرده شاهنشاهی هخامنشی

۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد

مت و اترز

ترجمه دکتر محمد ملکی

انتشارات شفيعی

سرشناسه	واترز، متیو ویلیام، ۱۹۶۷-م.
	Waters, Matthew W. (Matthew William), -1967
عنوان و نام پدیدآور	ایران باستان: تاریخ فشرده شاهنشاهی هخامنشی ۵۵۰ - ۳۳۰ پیش از میلاد/ مت واترز؛ ترجمه محمد ملکی.
مشخصات نشر	تهران: شفیعی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۶۴ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	978-964-7843-81-2
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	تاریخ فشرده شاهنشاهی هخامنشی ۵۵۰ - ۳۳۰ پیش از میلاد.
موضوع	سلسه هخامنشیان -- ۵۲۱ - ۴۸۵ ق.م.
موضوع	Achaemenid dynasty -- 559 B.C.-330 B.C.
موضوع	ایران -- تاریخ -- از آغاز تا ۶۴۰ م.
موضوع	HistoryIran -- To 640.
شناسه افزود	ملکی، محمد، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	۲۱۹D۴۳
رده بندی دیویی	۹۵۵ ۰۱۴
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۱۲۰۵

ایران باستان

نویسنده: مت واترز

مترجم: دکتر محمد ملکی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تنظیم: توکلی

چاپ: غزال

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت، شماره ۶۵، طبقه

همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست

۱۳	دبیاچه مترجم.....
۱۹	کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی و منابع کلاسیک.....
۱۹	کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی.....
۲۰	منابع کلاسیک.....
۲۳	سپاسگزاری.....
۲۹	فصل ۱: پیگردی یک دانشمند.....
۳۲	چرا «هخامنشی»؟.....
۳۳	منابع.....
۳۴	باستانشناسی.....
۳۵	منابع نوشتاری.....
۳۷	کتیبه‌های سلطنتی و سایر شواهد مستند.....
۳۹	کتاب مقدس عبری.....
۴۰	منابع کلاسیک/ یونانی.....
۴۱	نگارش تاریخ هخامنشی: گشت و گذار در استفاده از منابع یونانی برای تاریخ.....
۴۴	پارسی.....
۴۹	فصل ۲: پیشگامان هخامنشیان: نیمه نخست هزاره یکم پیش از میلاد... ..
۴۹	ایرانیان داخل ایران.....

۵۲	ایلام
۵۸	آشور
۶۰	بابل
۶۳	پادشاهان آناتولی
۶۳	فریگیه
۶۴	اورارتو
۶۴	لیدی
۶۶	ماد

فصل ۳: طایف بارز: یک شاهنشاهی جدید ۷۳

۷۳	کوروش یکم: یک سبط ایلامی - پارسی
۷۶	سقوط آشور و بعد از آن
۷۷	پیروزی کوروش بر ماد
۸۰	پیروزی کوروش بر لیدی و ایونیه
۸۴	کوروش در شرق ایران و آسیای مرکزی
۸۵	پیروزی کوروش بر بابل
۸۹	تصویر کوروش
۹۱	کوروش در روایات متداول یونانی
۹۴	بازگشت به نشان

فصل ۴: از کوروش تا داریوش یکم: شاهنشاهی در حال گذر ۹۷

۹۷	مرگ کوروش
۱۰۰	شاهنشاه کمبوجیه
۱۰۱	تهاجم کمبوجیه به مصر
۱۰۸	مرگ کمبوجیه و بحران سال ۵۲۲ پیش از میلاد

۱۰۹.....	کتیبه بیستون داریوش یکم.....
۱۱۷.....	شرح ویژه هرودت از جلوس داریوش (کتاب سوم، ۶۱ تا ۶۸).....
۱۲۱.....	مقایسه.....
۱۲۳.....	انشقاق یا ادغام؟.....
۱۲۵.....	پیوست - جنگ داریوش برای جانشینی.....

فصل ۵: داریوش، شاه بزرگ..... ۱۲۹

۱۲۹.....	داریوش فاتح - بازیابی دوباره بیستون.....
۱۳۵.....	بییت و گسترش.....
۱۴۱.....	لشکرکشی بر سر راه اسکاهای دانوب.....
۱۴۴.....	داریوش - رامون از.....
۱۴۷.....	شورش ایونیه.....
۱۵۲.....	لشکرکشی دوم داریوش به اژه و د ماراتن.....

فصل ۶: مکانیزم‌های شاهنشاهی..... ۱۵۷

۱۵۷.....	شاهان، ملکه‌ها و دربار سلطنتی.....
۱۶۳.....	تقسیمات اداری شاهنشاهی.....
۱۶۷.....	خراج به پادشاه و مسکوکات.....
۱۷۰.....	ساتراپ‌ها و کارکنان استانی.....
۱۷۴.....	الواح پارسه: سیاست، اقتصاد و قشربندی پارسی.....
۱۸۱.....	ارتش پارسی.....
۱۸۵.....	شبکه‌های ارتباطی - جاده شاهی.....

فصل ۷: خشایارشا، گسترش دهنده قلمرو..... ۱۸۹

۱۸۹.....	مرگ داریوش و جانشینی خشایارشا.....
----------	------------------------------------

۱۹۴.....	کتیبه‌های سلطنتی خشایارشا
۱۹۸.....	خشایارشا و تهاجم به یونان - منابع و مشکلات
۲۰۲.....	مادیسم
۲۰۳.....	خاک و آب
۲۰۶.....	تهاجم یونان
۲۱۷.....	جبهه اژه‌ای و مشکل آتی

فصل ۸: تشریح شاهنشاهی ۲۱۹

۲۱۹.....	پایتختی سلطنتی
۲۲۱.....	ادیان
۲۲۲.....	بابل
۲۲۲.....	شوش
۲۲۳.....	پاسارگاد
۲۲۷.....	پارسه
۲۳۲.....	نقش رستم
۲۳۵.....	ایدنولوژی سلطنتی هخامنشی
۲۴۱.....	مذهب هخامنشیان

فصل ۹: شاهنشاهی در وسعت: از مرگ خشایارشا تا داریوش دوم ۲۴۹

۲۴۹.....	فته کاخ و قتل خشایارشا
۲۵۲.....	سلطنت اردشیر یکم
۲۵۵.....	عزرا و نحمیا: نارضایتی در لوانت
۲۵۸.....	بازنگری در جبهه شمال غربی: تعامل پارسی - یونانی
۲۶۴.....	از اردشیر یکم تا داریوش دوم
۲۶۶.....	بایگانی موراشو - شیوه‌های مدیریت زمین در بابل هخامنشی

۲۶۹	بحث جزئی: نام‌های تاج و تختی هخامنشی
۲۷۱	داریوش دوم و استمرار دودمانی
۲۷۲	فرصت در جبهه شمال غربی

فصل ۱۰: حفظ شاهنشاهی: اردشیر دوم و اردشیر سوم ۲۷۷

۲۷۷	وفات داریوش دوم و جانشینی اردشیر دوم
۲۷۹	حنگ بین برادران
۲۸۳	واقعه بعدی شورش
۲۸۵	کبیته‌های سلطنتی اردشیر دوم
۲۸۸	پیردزی ایران: شمال غربی
۲۹۴	قبرس و مصر
۲۹۵	مصر در شورش و بایگانی آرشمه
۲۹۹	شورش آناتولی
۳۰۱	از اردشیر دوم تا اردشیر سوم: بحران جانشینی دیگر
۳۰۳	کبیته‌ها و سلطنت اردشیر سوم

فصل ۱۱: تاریخ و روشن هخامنشیان ۳۰۷

۳۰۷	مرگ اردشیر سوم، سلطنت اردشیر چهارم و جلوس داریوش سوم
۳۱۰	خیزش مقدونیه
۳۱۶	منابع و مشکلات
۳۱۶	آغاز تهاجم: نبرد گرانیک (می ۳۳۴) و ایسوس (نوامبر ۳۳۳) و فعیس (دی ۳۳۳)
۳۱۶	اسکندر در آسیای کوچک
۳۲۳	از دست دادن مصر، نبرد گوگامل و تسلیم بابل و شوش (۳۳۱-۳۳۲ ق.م)
۳۲۸	دفاع از پارس

فصل ۱۲: خاتمه..... ۳۳۵

پیوست آ- جدول زمانی..... ۳۳۹

پیوست ب- نمودار زمانی پادشاهان پارسی هخامنشی..... ۳۴۲

پیوست ث- اصل و نسب خانواده سلطنتی هخامنشی..... ۳۴۳

پیوست د- خوانش های بیشتر..... ۳۴۴

ابع ایترتی..... ۳۴۵

تاریخ هخامنشی و نوشته های تاریخی..... ۳۴۵

هنر، باستان شناسی، فرهنگ و دین..... ۳۴۶

لشکر کشی های رانیان به یونان، روابط ایرانی و یونانی، اسکندر و ایران..... ۳۴۷

نمایه..... ۳۴۹

دیباچه مترجم

شاهنشاهی هخامنشی، یکی از حکومت‌های ایرانی‌تبار در عصر باستان است، که به دست کوروش بزرگ بنیاد نهاده شد. این حکومت در آغاز شکل‌گیری با شعار عدالت و برابری، توانست همه مردم جهان متمدن آن روز را شیفته خود کند و این رو، تمامی ملت‌های دور و نزدیک، برای رهایی از چنگال حاکمان ظالم‌پیشه، به تدریج با دعوت از بنیانگذار این سلسله، خود را از ظلم و زیاده‌خواهی حاکمانی رهاندند که عدالت و انسانیت در نزد آنها مفهومی نداشت و با رحمت و شفقت انسانی خبری نبود. ظهور و بروز کوروش، بزرگترین فرمانروای جهان، فصل نوینی در تاریخ بشریت گشود که دوران پیش و پس از ایشان را می‌توان دو دنیای متفاوت تلقی کرد. تا پیش از روی کار آمدن کوروش، تسکین شاهنشاهی جهانی هخامنشی، که گویی به راستی رسالتی نوین برای همه جهانیان داشت، تمامی ملت‌ها در بند خودخواهی حاکمان ظالمی بودند که بی‌دگر آنها بنا بر شواهد اندک تاریخی برجای مانده از آن دوران چیزی جز پلشتی و زشتی نبود. حاکمان سرزمین‌های دور و نزدیک، پنهان و آشکار، با سر و سیله ممکن‌ی خواب خوش را از چشمان ملت‌ها ربوده بودند و گویی جهان در انتظار یک منجی بود که با آمدن کوروش ملل و ادیان مختلف رهایی خود را در پیوستن به کوروش می‌جستند و حاکمان ظالم نیز راه نجات خود را در توطئه همه‌گانی و همه‌جانبه برای سقوط او می‌دیدند. همان حاکمانی که تا

پیش از روی کار آمدن کورش قتل و غارت انسان‌های بی‌پناه را افتخاری برای خود تلقی می‌کردند و بارها با تهاجمات بی‌امان خود در چندین نوبت در سال، آسایش و آرامش را از همگان سلب کرده بودند. آنها در توصیف تهاجمات ددمنشانه خود افتخار می‌کنند که نه تنها به انسان‌ها، بلکه به چرندگان و پرندگان نیز رحم نکرده و به هر وسیله ممکني خواستار نابودی دیگر سرزمین‌های همجوار خود می‌شدند و این دور باطل همچنان قربانی می‌داد و کنان فلات ایران بیش از همه قربانی مطامع این حاکمان ماد می‌شد.

مرکز فلات ایران در حدود یک قرن و اندی پیش از روی کار آمدن کورش، برای رها کردن از ماد، با تشکیل اتحادیه‌هایی از میان اقوام این فلات و انتخاب پادشاهی عادل از میان اقوام ماد همت گماشتند تا شاید التیامی بر دردهای استخوان‌سوز آنها باشد. همان مادی زمام امور فلات ایران را به دست گرفتند و سال‌ها در مقابل ظلم و جور اقوام متهاجم به فلات ایران ایستادگی کردند. آنها تا حدودی توانستند نسبتی را برای ساکنین این فلات فراهم کنند و خود را برای همیشه از ستم اقوام مهاجم سکایی و آشوری برهاند و پیمان‌های عدم تعرض، با دیگر حاکمان منطقه ببندند. موفقیت مادی‌ها در سیاست خارجی و گذشت روزگار اندک آن‌ها را در دوران آخرین حاکم مادی، به سمت ظلم و ستمی سوق داد که نتیجه آن، دعوت مادی‌ها از کورش، پادشاه دادگر سرزمین پارس و نوه دختری آخرین شاه ماد، برای رهایی آن‌ها از چنگال ظالمانه شاه بیدادگر خودشان بود.

گویا آوازه عدالت کورش به قدر کافی گوش مادی‌ها را نوازش داده بود که از وی دعوت کردند تا بر جان دل آن‌ها حاکم شود. آری کورش در میان اقوام پارس، در نتیجه خرد ذاتی و رفتار و منش انسانی خود، از چنان محبوبیتی برخوردار بود که حتی به زودی ملل دور و نزدیک با اشتیاق خواهان سروری

او شدند. کورش با کمک دانش و خرد خود و با کمک مردم ماد و پارس توانست در درگیری با شاه ماد رأفت انسانی خود را که تا آن زمان نظیر نداشت برای جهانیان به نمایش بگذارد. او پس از استیلا بر حاکم ماد و سرزمین ماد، نه تنها حاکم ماد را نکشت بلکه جایگاهی در خور شأن او به وی عطا کرد و مردمان سرزمین ماد را همچون مردم سرزمین خود احترام فراوان نمود و با این عمل بی سابقه وی ترس و دشمنی بر اندام حاکمان ظالم را برطرف کرد. رهایی را در اذهان مردمان مظلوم دور و نزدیک مستولی نمود.

نخستین و بزرگترین عملی را پادشاه سرزمین لیدی با تهاجم به قلمرو ایران و نابودی کورش بدست. اما دسیسه او به سقوط حکومت لیدی و پذیرش حاکمیت ایران منتهی شد. سیمی از آسیای کوچک و دولت شهرهای ایونی منجر شد. کورش در این درگیری تحمیل شده به او از جانب کروزوس پادشاه لیدی، نه تنها در صدد اسام از آنها نیامد بلکه با بخشش کریمانه‌ای، نه تنها پادشاه لیدی را نکشت بلکه او را به عنوان مشاور امین خود، مطابق روایات مورخین کلاسیک غربی، منصوب کرد و سرزمینی نیز برای امرار و معاش شاهانه در اختیار وی قرار داد. این رفتار انسان منشانه کورش، که مسبوق به سابق نیز توسط خود وی انجام شده بود، به روده امید اقوام و ملل میان‌رودانی را به حمایت کورش از آنها گره زد و آنها آشکارا و پنهان خواستار رهایی خود توسط کورش از چنگال حاکم منفورشان نبورس شدند. استقبال با شکوه ساکنین شهر بابل، پایتخت چندین هزار ساله سرزمین میان‌رودان از کورش، شاه چهار گوشه جهان، به طور رسمی باعث صدور حقون بشر از آنجا به همه جهان شد. دیگر هیچکس یارای مقاومت در برابر این شاهنشاه با فر و شکوه نداشت. مقبره او در سرزمین پارس زیارتگاه همه دوست‌داران وی و حتی دشمنان این سرزمین تا سقوط اسکندر و شاید بعد از آن نیز بوده است. احترام اسکندر، بزرگ‌ترین دشمن شاهنشاهی هخامنشی و

ویران‌کننده سرزمین ایران، به کورش و زیارت مقبره وی به گواهی خود مورخان اسکندر، نشان‌دهنده عمق احترام همه، حتی دشمن به شخصیت والای انسانی کورش است.

بزرگی و عظمت وی در سلوک پیامبرگونه‌اش با مردم خود و سایر مردمان تحت امرش خلاصه شده است. نگاه کورش همراه با رأفت و مهربانی به دوست و دشمن، باعث شده که از دشمنان دوستانی بسازد و از دوستان، جان‌بردارانی که هر لحظه خواهان نثار جانشان برای کورش بودند. کورش به گونه‌ای تاریخ‌تأمی عمر خود را صرف مبارزه با ظلم و احیای عدالت کرد و توانست بر این ره‌خاوماتی به بشریت عطا کند که از چشم بسیاری از مکاتب دینی رمان خود و پس از خود، پنهان نماند و هر یک به نوعی در ستایش وی نه تنها قشور، نمی‌کنند بلکه از او بسیار بی‌نیکی یاد می‌کنند و از او به‌عنوان نماینده سود در این یاد می‌کنند. وی مصداق یک انسان وارسته از تعلقات دنیوی است و به همین دلیل در نزد بسیاری از ملل و ادیان از دیرباز تا به امروز محترم است.

مرگ کورش در دفاع از قلمروهای سرزمین‌های شرقی، رسالت تداوم حکومت شاهنشاهی را بر دوش فرزندش کمبوجیه نهاد. کمبوجیه فرزند راستین کورش در ادامه سیاست‌های کورش، سرزمین مصر را، که چشم طمع بر قلمروهای غربی شاهنشاهی در مناطق فلسطین و لبنان دوخته بود، به قلمرو خود منضم کرد تا به عهد و پیمانی که با پدرش کورش بسته بود عمل کند. مرگ ناخواسته کمبوجیه و انتقال قدرت از شاخه کورش به شاخه داریوش، باعث بحران بزرگی در تمامی قلمروهای شاهنشاهی، حتی در سرزمین مادری آنها پارس شد، که با درایت داریوش همه این مشکلات کمتر از دو سال پایان گرفت و قاطعیت داریوش در مواجهه با این بحران بزرگ و پیروزی او بر همه دشمنانش و اقدامات مفیدی که وی برای تثبیت و

تحکیم این فرمانروایی انجام داد، در پیشگاه تاریخ اگر برتر از کورش نباشد کمتر از وی نیست و اقدامات وی در امنیت و توسعه قلمروهای شاهنشاهی، تداوم حکومت این خاندان را به مدت دو سده، تا سقوط آن به دست اسکندر، بیمه کرد. از مهمترین دستاوردهای ارضی داریوش تسلط وی بر بخش‌های وسیعی از اروپای جنوب شرقی تا محدوده رودخانه دانوب و هخامنستان تا مرز رودخانه سند است.

نامی سرداران داریوش در سال‌های منتهی به اواخر عمرش در ماراتن، باعث اشتیاق داریوش، به فراهم کردن یک لشکرکشی بزرگ برای تنبیه دولت‌شهرهای امروزی یونانی شد؛ اما مرگ وی بر اثر کهولت سن، تحقق این آرزوی داریوش را به هم زد و جانشینش خشایارشا محول کرد و خشایارشا برای ادامه عمل پرشیدن به آرزوی پدرش، اقدام به لشکرکشی علیه دولت‌شهرهای یونانی کرد و در آغاز، این لشکرکشی با موفقیت‌هایی توأم بود و خشایارشا توانست اقداماتی از دولت‌شهرهای یونانی از جمله آتن و اسپارت، با کشتن شاه اسپارت و بردن ترموپیل و تسخیر آتن، پیش از نبرد سالامیس، بگیرد. خشایارشا پس از ناکامی جزئی در نبرد سالامیس به ایران برگشت تا بابل را که در غیاب وی شورش دیده بود آرام کند. موفقیت خشایارشا در دو جبهه مصر و بابل نیز مثال‌زدنی است زیرا مصر تا پایان حکومت خشایارشا و بابل تا پایان عمر شاهنشاهی رنج نبرد و نگراند و کاملاً تابع شاهنشاهی هخامنشی باقی ماندند.

قتل خشایارشا در سال ۴۶۵، در نتیجه دسایس اندرونی دربار، باعث روی کار آمدن فرزندش اردشیر یکم شد که سال‌های اولیه حکومتش را با سرکوبی شورش خبیثه در مصر سپری کرد و در نهایت پس از چند سال توانست اوضاع آن منطقه را سامان دهد و جلوی زیاده‌خواهی دولت‌شهر آتن در مصر را با انهدام کامل ناوگان دریایی آتن در مصر بگیرد. اردشیر یکم و

جانشینانش، داریوش دوم و اردشیر دوم با دیپلماسی زر و زور توانستند بر زیاده‌خواهی دولت‌شهرهای یونانی فائق بیایند و حتی آنها را در جبهه موافق با خود برای سرکوبی برخی شورش‌های داخلی از جمله شورش مصر بکار گیرند. مرگ اردشیر سوم آخرین شاهنشاه قدرتمند هخامنشی و فاتح مصر در هجدهمین سال‌های حکومت شاهنشاهی هخامنشی، به مشکلات درونی پارس‌یان دامن زد و زمینه استیلای مقدونیان، رعایای سر به راه دیروز شاه‌ساهی، را فراهم کرد.

داریوش دوم که مانند دیگر شاهنشاهان هخامنشی برای امر خطیر حکومت بر قلمرو وسیع شاهنشاهی هخامنشی تربیت نشده بود و گویا برای رسیدن به این جایگاه تاجگذاری چندانی نکرده بود، نتوانست در مواجهه با اسکندر، علی‌رغم همه امکانات مادی و معنوی موفقیتی حاصل کند. فقدان منابع ایرانی پیرامون لشکرکشی اسکندر به ایران و سکوت منابع بابلی در این باره کار قضاوت محققان را دربارهٔ نبردهای داریوش با اسکندر مشکل می‌کند و مورخ را به سمت فرضیاتی می‌کشاند که اثبات آن بدون مدارک متقن از جانب ایران سخت و شاید غیرممکن است.

در پایان خدای بزرگ را شاکرم، که بار دیگر فرصت ترجمهٔ یکی دیگر از آثار تاریخی در حوزهٔ هخامنشیان را، که توسط پروفسور و دکتر وائرز استاد تاریخ باستان که کتابش را با عنوان ایران باستان، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ۳۳۰-۵۵۰ قبل از میلاد در انتشارات دانشگاه کمبریج در دو سه سال اخیر برای علاقه‌مندان به تاریخ ایران باستان، منتشر کرده است، به من عطا کرد تا هرچند کوچک سهمی در اعتلای تاریخ و فرهنگ کشور عزیزم ایران در کارنامهٔ علمی خود به ثبت برسانم.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از مدیر محترم انتشارات شفיעی، که با رویی گشاده‌پذیری انتشار این اثر به مانند دیگر آثار پیشین شد، صمیمانه

تشکر کنم و از همسر عزیز و دختر نازنینم، به خاطر صبوری در طول ترجمه این کتاب، بی نهایت ممنون و سپاسگزارم.

محمد ملکی

خردادماه ۱۳۹۹

کتاب نامه، سلطنتی هخامنشی و منابع کلاسیک

اطلاعات مربوط به منابع در بخش زیر، توسط نویسنده در بیشتر موارد به صورت نقل قول ارائه شده است. اصلی کورت، شاهنشاهی پارسی: مجموعه نوشتجات شاهنشاهی هخامنشی، ۲۰۰۷، شامل ترجمه تقریباً تمام متون مهمی است که در اینجا به آنرا اشاره شده است. این مأخذی ضروری برای مطالعه شاهنشاهی ایران هخامنشی است. در مقیاس کوچکتر، ماریا بروسیوس، شاهنشاهی پارسی از کوروش دوم تا اردشیر یکم، ۲۰۰۰، دارای ترجمه چندین متن است و سایت اینترنتی لوئیس دات.آر. جی ترجمه‌های بسیاری از کتیبه‌های سلطنتی و منابع دیگر دارد.

کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی

کتیبه‌های ذکر شده در کتاب، به نسخه‌های پارسی باستان آن متن اشاره می‌کنند، مگر اینکه طور دیگری ذکر شده باشند. آنها با استانداردهای ذکر شده‌اند: نخست نام پادشاه، شماره کتیبه (در صورت وجود) و سپس مکان ذکر شده است. حروف کوچک، کتیبه‌های دیگر از همان مکان متمایز می‌کنند. به عنوان مثال، A2Sd §2، مخفف پاراگراف (بخش) دوم کتیبه شماره d اردشیر دوم در شوش است.

ترجمه‌های ایلامی و آکادی عمدتاً در ادبیاتی که به صورت تخصصی و ویژه در این موضوع کار کرده‌اند پیدا می‌شود. علاج مشکل تمامی